

ای وصل تو اصل شادمانی
کان صورت‌هاست، وین معانی

یک لحظه مبرّز بنده که نیست
بی‌آب سفینه را روانی
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۷۵۶)
- روانی: روش، راه رفتن، روان بودن
- سفینه: کشتی

شادمان نیستم چون خودم را با دیگران مقایسه می‌کنم.

خانه فلانی را ببین، خانه من را نگاه کن! تمام خانه من از آشپزخانه فلانی کوچکتر است، خدا بده شانس! اتومبیل همسایه‌ام را نگاه کن، اتومبیل من را ببین! آدم گریه‌اش می‌گیرد. خوش به حال پسر خاله‌ام! اگر شرایط تحصیل در دانشگاهی که او در آن مدرک گرفته برای من هم پیش می‌آمد، من هم جایگاه شغلی خوبی مثل او داشتم، افسوس! بچه فلانی را ببین چه خوب رشد کرده و به جایی رسیده است. بچه من را ببین، دیپلمش را هم با زور گرفت!

این‌ها جملات سمی هستند که به راحتی می‌توانند انسان را نابود کنند. مولانا در دیوان شمس غزل شماره ۲۲۸۴ دارند که:

در ده ویرانه تو گنج نهان است ز هو
هین ده ویران تو را نیز به بغداد مدیه
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۲۸۴)

وقتی هویت تقلبی خودت را که براساس من‌ذهنی ساخته‌ای را ویران کنی، متوجه گنجی می‌شوی که در زیر فکرها پنهان شده است. این گنج در زیر باورها، دردها، رنجش‌ها و آویزش‌های مادی تو دفن شده است. ده ویران شده خودت را با بغداد عوض مکن! بغداد نماد شهری آباد و پُر رونق است. ما اگر عمیقاً متوجه این موضوع شویم، دیگر فرصت را از دست نمی‌دهیم و تمام حواسمان را صرف ویران کردن خود مجازی و به‌دست آوردن گنج حقیقی وجودمان می‌کنیم. منظور از گنج، همان هدایت، عقل، قدرت و حس امنیت زندگیست.

هرکسی در این جهان رسالتی بر عهده دارد. پس خیلی کودکانه به‌نظر می‌رسد که خود را با دیگری مقایسه کنیم. شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که در دوران کودکتان، خانه، اتومبیل، شغل پدر یا مادر، اسباب‌بازی‌تان و ... را با داشته‌های کودکان هم‌سن و سالتان مقایسه می‌کردید. اگر در این مقایسه شما برنده نمی‌شدید، سرافکنده و ناامید می‌شدید و از احساس حقارت رنج می‌کشیدید.

جمله خلقان، سُخره اندیشه‌اند
ز آن سبب خسته‌دل و، غم‌پیشه‌اند
- (مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۵۵۹)

مولانا می‌فرماید: همه مردم مسخره فکرهاشان هستند. با فکرهاشان بالا و پایین و کم و زیاد می‌شوند. به‌همین دلیل خسته، غمگین و افسرده‌اند. هر شب میلیون‌ها گالن مشروبات الکلی، قرص‌های روان‌گردان و مخدرهایی که بشر برای خلاصی از غم و غصه اختراع کرده است، مصرف می‌شود. درحالی‌که تنها با شراب ایزدی که از مرکز عدم انسان می‌جوشد، رنج بشر التیام می‌یابد. وقتی از باده و شراب ایزدی مست شدی، متوجه می‌شوی بدون این‌که نیازمند مقایسه خود با دیگران باشی، حالت خوب است چون جان اصلی تو کامل است.

با سپاس فراوان از استاد شهبازی و یاران عاشق
-طاهره جعفری از بندرعباس